

The Liability of the Re-senders of Misleading Content in Cyberspace Envisaged by Law and Islamic Jurisprudence

Majid Safari

PhD Student, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Seyyedmohammadsadegh Mousavi*

Faculty Member of the Shahid Motahari University, Tehran, Iran
Mousavi4535@gmail.com

Seyyedabolghassem Naghibi

Faculty Member of the Shahid Motahari University, Tehran, Iran

DOI: 10.30495/CYBERLAW.2022.692010

Keywords:

Resending,
Misleading,
Cyberspace,
Responsibility,
Misleading
Content

Abstract

Development and expansion of uncontrolled social networks has become one of the most important concerns of families and academia as well as the religious leaders. Expanding the subject and considering the misleading books and the orders concerning the same and their distribution in the cyberspace, studies the liability of the resenders of the concerned content. The paper employs library method in collecting the needed data and is descriptive-analytical. Distribution of the misleading books in the media and cyberspace is punishable by itself and, therefore, the liability of the re-senders of such content are considered to be same as the main author and depends on the quantity and quality of the sent and distributed content and the intent and legal elements as well as *actus reus* and *mens rea* of the same. Therefore, all the liabilities of the original producer of the content are applied to the re-sender as well. The liability of the original producer and sender and the re-senders depend on the number of the groups and these people are responsible towards the damages incurred. Noting that not all the damages by misleading media could be compensated for, and that the *Haqq al-Nas* (what is due to men in contradistinction to what is due God) are to be compensated for with the owners of the media, supposing that the owners are not known, secondary verdicts including general cultural obligations and religious enlightenment activities could be issued.



This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license:

(<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

مسئولیت فقهی حقوقی

بازارسال کنندگان مطالب گمراهی در فضای مجازی

مجید صفری

دانشجوی دکترای تخصصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

سید محمد صادق موسوی*

سید محمد صادق موسوی، عضو هیات علمی مدرسه عالی شهید مطهری، تهران، ایران

mousavi 4535@gmail.com

سید ابوالقاسم نقیبی

عضو هیات علمی مدرسه عالی شهید مطهری، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۲۴ خرداد ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۲۰ اسفند ۱۴۰۰

چکیده

توسعه و گسترش شبکه‌های اجتماعی رها یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های خانواده‌ها و اهالی علم و معرفت شده است نگراننده با تعمیم موضوع و حکم مساله کتب ضاله به فضای مجازی مسئولیت بازارسال کننده را مورد تقویت و تأیید قرار می‌دهد. جمع‌آوری مقاله به روش کتابخانه‌ای است و روش تحقیق آن توصیفی تحلیلی می‌باشد. تعمیم مساله کتب ضلال به رسانه‌ها و فضای مجازی از کفایت لازم برخوردار است، بنابراین محقق مسئولیت بازارسال کننده ضلال را همانند ناشر اصلی می‌داند البته بستگی به کمیت و کیفیت محتوای بازارسال شده، سوء نیت و عناصر قانونی، مادی و معنوی آن نیز دارد. بنابراین کلیه مسئولیت‌های ناشر اصلی به بازارسال کننده یا بازنشردهنده نیز سرایت می‌کند. مسئولیت ناشر اولیه و بازارسال کنندگان بستگی به تعداد گروه‌های ارسالی نیز دارد که موظف به جبران ضرر مادی و معنوی حاصل شده هستند. به دلیل غیر عملی بودن جبران ضرر به کلیه افرادی که از رسانه ضاله ضرر دیده‌اند و حق الناس آنها به متولیان آن رسانه برمی‌گردد با فرض مجهول المالک بودن آن می‌توان با حکم ثانوی در خدمات عمومی فرهنگی بصیرت زا و ... استفاده نمود.

کلید واژگان: بازارسال، ضلال، فضای مجازی، مسئولیت، مطالب گمراهی

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مق

یکی از انتقاداتی که بر برخی از فقهاء وارد می‌شود عدم توجه به موضوعات اجتماعی و تمرکز بر تکالیف فردی است مسئله کتب ضلال نیز از این بی توجهی بی‌بهره نمانده است، محقق بر این باور است که کتاب در حال حاضر به تنهایی موضوعیت ندارد لذا در این مقاله با تعمیم کتاب به رسانه‌ها و فضای مجازی موضوع کتب ضلال را توسعه داده است. در این مقاله بدنبال این مسئله و فرضیه هستیم که: آیا بازارسال مطالب گمراه کننده مسئولیت‌آور می‌باشد؟ با فرض: ضمان‌آور بودن تولید، نشر و ارسال و بازارسال آثار فکری و هنری.

مسئولیت ناشران محدود، به تخلفات شکلی و محتوایی مطالب ارائه شده است که در این نوشتار به تبیین مسئولیت ناشی از تولید و ارائه اثر و محتوا و مخصوصاً بازارسال مطالب گمراهی می‌پردازد.

با توجه به رشد سریع فضای مجازی بدون چارچوب است محقق به جمع‌آوری مقاله به روش کتابخانه‌ای و روش توصیفی تحلیلی در تحقیق پرداخته است.

بدیهی است بازارسال آتی و فوری مطالب بدون غور و تفکر در محتوای آنها موجب گسیختگی فرهنگی، اختلال در کارکرد خانواده و... می‌شود و چه بسا اگر مطالب گمراهی مدیریت شده باشند، بسیار تاثیرگذارتر و مخرب‌تر خواهند بود. به وضوح جای خالی بصیرت‌زایی، جرم‌انگاری و مسئولیت‌پذیری در مجامع علمی و به قطع در عمل متولیان فرهنگی دیده می‌شود.

خط زمانی پرداختن به واژه کتب ضلال را می‌توان از شیخ مفید به بعد در ابواب فقه مشاهده نمود، البته در مکاسب محرمه شیخ اعظم انصاری این موضوع را تحت عنوان «مساله کتب ضلال» مطرح نموده است و فقهای بعد از ایشان نیز به تشریح این مسئله پرداخته‌اند، امام خمینی (ره) نیز در مساله ۱۵ کتاب تحریر الوسیله ذکر می‌نمایند که: یحرم حفظ کتب الضلال و نسخها و قرائتها و درسها و تدریسها (علوی گرگانی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۴۸۵) یکی از انتقاداتی که بر برخی از فقهاء وارد می‌شود عدم به روز رسانی مساله کتب ضلال می‌باشد که در رساله آقای احمد علی قانع از دانشگاه امام صادق (ع) و تحقیقات پس از وی با تعمیم کتب ضلال به هرگونه پیام این مشکل مرتفع گردیده است. لذا منحصر نمودن حکم حرمت به نوشته‌ای که در آن انحراف اعتقادی است انحصاری بدون دلیل است. (قانع، احمد علی: ۱۳۸۶) تعمیم کتب ضاله «www.magiran.com». پس بر چنین مردمی لازم است از کتابهایی که مشتمل بر مطالبی است که مخالف عقاید مسلمین است خصوصاً کتابهایی که مشتمل بر شبهات و مغالطه‌کارهایی است که (امثال آنان) از حلّ و دفع آنها عاجزند، اجتناب ورزند؛ و برای ایشان، خرید و نگهداری و حفظ آنها جایز نیست بلکه بر آنان واجب است آنها را از بین ببرند. (حر عاملی، ۱۳۷۵: ج ۸، ص ۲۶۸)

در این مقاله از کتابهای فقهی و حقوقی دیگری همچون قواعد فقهیه، تفسیر یک جلدی مبین، وسیط در ترمینولوژی حقوق، مجموعه قوانین اساسی - مدنی، قانون مطبوعات، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، ترجمه مباحث حقوقی الروضه البهیه فی شرح اللمعه المشقیه، مجموعه قوانین اسال واندی، در کلاس درس مکاسب، حقوق رسانه و حقوق فضای مجازی بهره گرفته‌ایم سرکار خانم فاطمه جهان نیز در مقاله‌ای با عنوان به همان موضوعاتی که دکتر قانع اشاره نموده است توجه کرده‌اند. (جهان ۱۳۷۸، « بررسی کتب ضاله»، www.magiran.com).

۲- ادله فقهی جرم‌انگاری نشر آثار فکری و هنری:

فقه امامیه فقیه را بنده دلیل از منابع معتبر پرورش می‌دهد و اینجا نیز به همان سبک و روش عمل می‌گردد.

۲-۱- دلایل نقلی از کتاب:

در فقه شیعه برای حرمت اظهار و نشر و نگهداری سخن و نوشته ضلال به این موارد استناد شده است، ادله اربعه شامل: قرآن، حدیث، عقل، اجماع می‌باشد که برای استنباط احکام فقهی و کشف قواعد آن از این ادله بعنوان مراجع علمی قابل استناد استفاده می‌شود. قرآن منبع اصلی و غنی تکایف مسلمانان است. ودر آیات متعددی به آزادی بیان و عقیده اشاره دارد؛ آیه ۱۸ سوره زمر « فیشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم اولو الالباب» و آیه امر به معروف و نهی از منکر مثل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران « ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر هم المفلحون » و آیات ۲ و ۱ سوره قلم « ن و القلم و مایسطرون» و آیات ۳ و ۴ سوره الرحمن « خلق الانسان علمه البیان» قرآن که آخرین هدیه آسمانی مسلمانان و موحدان است قطعاً می‌بایست جامع و مانع باشد آیات فوق به امکان عرضه اقوال متعدد و دوری از دیکتاتوری رسانه‌ای توجه دارد همچنین در ذیل آیاتی وجود دارد که چارچوب بیان و اعتقادات را اعلام نموده است.

۱- حرمت کمک به گناه « ولاتعاونوا علی الاثم و العداون » (مائده (۵)، آیه ۲)

۲- وجوب جهاد با اهل ضلال و تضعیف آنها به هر وسیله ممکنه:

مرحوم صاحب جواهر در تقریر این دلیل می‌فرماید: روشن است که وجوب جهاد با آنان به خاطر از بین بردن مذهب آنان است، به وسیله از بین بردن خودشان پس آنچه باعث قوت آنها می‌شود به طریق اولی، باید از بین برده شود. (نجفی، ۱۹۸۱م: ج ۲۲، ص ۵۷)

۳- وجوب و امر از اجتناب از سخن زور (حج (۲۲)، آیه ۳۰)

مثل افتراء به شریعت، شرک به خدا، دروغ و تهمت

۴- وجوب اجتناب از سخن لهور

۵- توجه به کرامت ذاتی انسان (سوره بقره آیه ۲۹) و (اسراء آیه ۷۰)

۶- آیات دال بر حرمت افترا، توهین و تکذیب خداوند و خلق خدا (توبه آیه ۹ و ۵ و ۶۶) (آل عمران آیه ۹۴ و انعام آیه ۲۱)

۷- نشر آثار گمراهی در جامعه اسلامی (لقمان آیه ۶)

۸- اشاعه فحشاء و منکرات (نور آیه ۲۴، آیه ۱۹)

۹- ایجاد نفاق و تفرقه بین مسلمان (آل عمران آیه ۱۰۳)

۱۰- تبلیغ اسراف و تجمل پرستی. (اعراف آیه ۳۱) و (اسراء آیه ۲۷)

۲-۲- دلایل نقلی از سنت:

سخنان و داستانهایی که پاره‌ای از مردم آنها را ساخته و پرداخته و درگمراه کردن مردم استفاده می‌کنند.

۱۱- روایت عبد الملک بن اعین از امام صادق (ع) (حرعاملی، ۱۳۷۵: ج ۸، ص ۲۶۸)

امام در جواب گفت « کتابهات را بسوزان » که متعاقباً بیان می‌شود.

۱۲- روایت « حذاء »:

هر کس بابتی از گمراهی را تعلیم دهد. همانند گناه کسی است که به آن عمل می‌کند، برای او نیز هست (نراقی، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۳۴۶)

۱۲- احادیث حرمت توهین به وحدانیت، اسلام، سب النبی و مقدسات

۱۳- احادیث حرمت تعرض به عفت عمومی

۱۴- احادیث حرمت افترا و تعرض به آبروی اشخاص

۱۵- احادیث حرمت ترویج فساد و تباهی

۱۶- احادیث حرمت نشر آثار گمراهی

۲-۳- دلیل سوم عقل:

عقل حکم می‌کند که قطع ماده فساد واجب است و یکی از مواد فساد کتب ضلال است، پس قطع کتب ضلال واجب می‌باشد و قطع آن تلف کردن است. (محمودی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۱۳۳)

ادله عقلی:

۱. حسن ریشه کن کردن منشاء فساد؛ بیان امور گمراه کننده به فساد می‌انجامد و عقل به قطع سرچشمه فساد حکم می‌کند.
۲. ناپسندی اهانت به حق و احیای باطل؛ بیان امور ضلالت بار، مستلزم وهن حق و احیای باطل است از این رو قبیح است.
۳. دفع ضرر محتمل؛ در بیان امور گمراه کننده احتمال ضرر اخروی برای دیگران می‌رود و لزوم دفع ضرر محتمل نیز حکمی عقلایی است.

۴. حسن دفع منکر.

۵. قبیح در افکندن دیگری در حرام.

۶. قبیح کمک به گناه و انحراف عقیدتی.

۲-۴- اجماع چهارمین دلیل فقهی:

اصطلاحات بلاخلاف، اتفاق، لم‌اره و ... در جملات فقهی نشانه‌ای از نزدیکی و نظر به اجماع است می‌توان به اجماع استناد نمود: پیشتر بیان شد که مرحوم علامه حلی فرمودند: (لاخلاف) است می‌گویند فی الجمله مسئله خلافی نیست و اجماعی است که حفظ کتب ضلال حرام است همچنین بیان شد که شیخ انصاری می‌فرماید: حفظ کتب الضلال حرام فی الجمله بلا خلاف.

حفظ کتابهای گمراه کننده اجمالاً حرام است و در این حکم بین فقهاء اختلافی وجود ندارد و... و در این حکم بین فقهاء اختلافی وجود ندارد، چنانچه علامه حلی در تذکره ج ۱ ص ۵۸۲ و منتهی ج ۲ ص ۱۰۱۳ همین حکم را بیان کرده است. (غرویان و معتمدی، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

۳- بررسی موضوع و حکم کتب ضلال :

دامنه موضوع حکم با توجه به پیشترفتهای رسانه‌ها و فضای مجازی در حال گسترش می‌باشد، بنابراین شناخت دقیق موضوع به صدور حکم واقعی‌تر کمک خواهد داد .

۳-۱- بررسی موضوع :

موضوع یعنی آن چیزی که برای دلالت بر معنایی قرار داده شده است. و گاهی نیز به فعل و متعلق فعل مکلف یا به یکی از این دو «موضوع» گفته می‌شود. (ملکی اصفهانی، فرهنگ اصطلاحات اصول، ۱۳۹۰: ۲۲۸)، موضوع مورد بررسی حفظ کتب ضاله است و حکمی که اجماع علماء روی آن قرار داده‌اند حرام بودن است .

۳-۲- تقسیم‌بندی موضوع کتب ضاله:

۱- تحریف کتب آسمانی: مثل کتب تحریف شده انجیل مسیحیان و تورات کلیمیان

۲- کتب فرق ضاله و مسلک‌های ضاله: مثل فرقه‌های شیطان‌پرستی و غالی‌ها

۳- کتب ملحدین: مثل کتب بودا و...

۴- اصوات غنایی حرام: مثل ترویج الحاد در موسیقی.

۵- نشریات و فیلم‌های مبتذل: مثل روزنامه‌ها و فیلم‌های ضد توحیدی

۶- کتب خرافی و سحر و افسون مثل جفرکاران امروزی بدون علم

۷- نطق و خطابه ضلال مثل: بیانیه‌های و سخنرانی‌های اهل ضلال

۸- نشریات محرک فتنه و اختلافات فرقه‌ای

۹- فضای مجازی گمراه‌کننده

۴- حکم:

خداوند علیم برای فرد و جامعه بشری تکالیفی را به نام حکم شرعی وضع نموده است.

برای جدا کردن حکم شرعی از حکم غیر شرعی هرگاه کلمه حکم را در این تحقیق بیاوریم منظور حکم شرعی است. تعریف حکم شرعی را در دو عبارت ارایه می‌شود:

۱. خطابی که از شارع باشد؛ مستقیم یا غیر مستقیم و...

۲. قوانین صادرشده از سوی خداوند برای تنظیم زندگی فردی و اجتماعی انسان در ابعاد مختلف .

این قوانین به وسیله خطاب‌های کتاب و سنت برای ما آشکار و بیان می‌شود؛ خواه این احکام متعلق به کارهای مکلفین باشند؛ خواه متعلق به خود مکلفین باشند، و خواه به چیزی متعلق باشند که مرتبط با مکلفین باشد. (ملکی اصفهانی، فرهنگ اصطلاحات اصول، ۱۳۹۰: ۲۲۸) حکم شرعی از حیث مصلحت و مفسده، تابع چیزی است که حکم به آن تعلق گرفته، پس اگر مصلحت چیزی، شدید و الزام‌آور باشد حکم آن واجب خواهد بود.

حکم اولیه: حکمی است که بدون قید عنوان ثانوی و قید شک در حکم واقعی است مثل حرمت حفظ کتب ضلال .

حکم ثانویه: حکمی است که بر موضوع متصف به وصف اضطرار، اکراه و سایر عناوین ثانوی جعل می‌شود مثلاً جواز حفظ کتاب ضاله برای ردیه یا تقیه کردن .

۴-۱- تعمیم حکم :

ظاهراً می‌توان نظراتی را که شیخ مفید و علامه حلی در زیر بیان داشته‌اند یا مباحثی را که در سب‌النبی بیان گردیده را به تصاویر موجود در سایتها و رسانه‌ها همچون کاریکاتور پیامبر اعظم و نقاشی‌های مستهجن و مطالب گمراه‌کننده و نمادهای آنها تعمیم داد، لکن ظاهر کلام بعضی از قدماء حرمت بیع تصاویر می‌باشد. شیخ مفید در مقنعه (ص ۵۸۷) ... گفته است: ساختن بت‌ها، صلیب‌ها، مجسمه‌ها، شطرنج، نرد و آنچه شبیه این موارد می‌باشد، حرام است و فروختن و خریدن آنها نیز حرام است.

علامه حلی در نه‌بایه گفته است: و ساختن بتها، صلیب‌ها مجسمه‌ها، نقاشی‌ها، شطرنج و نرد و... و خرید و فروش آنها و تصرف در آنها و اکتساب بواسطه آنها ممنوع است. (حلی، ۱۳۹۰: ۳۶۲)

البته می‌توان ادله دیگری نیز بدست آورد که بر جواز تصویر دلالت دارد ولی براساس آنچه گذشت تصویر باید شرایطی داشته باشد از روایات بدست آمده تصاویری که جان دارند یا بی جان حکم آنها متفاوت است و بین نقاشی و مجسمه نیز حکم متفاوت است در هر حال باید با توجه به آنچه مقدم شد در مصادیق کتب ضاله، ظاهراً به تصویر کشیدن کاریکاتور در رسانه‌ها براساس حکم‌های فوق حرام است.

۴-۲- استنباط حکم حرمت:

یکی از اعمال محرمه که فی نفسها حرام است و کسب با آنها حرام می‌باشد حفظ و نگهداری کتب ضلال است و چون قابلیت دارد متعلق اجاره یا جعاله و... واقع شود لذا قابلیت معاوضه دارد با دلایل اربعه حرمت حفظ کتب ضلال استخراج می‌گردد.

۴-۱-۲-۱- دلیل اول: حکم عقل است، هر صاحب عقلی به کبرای کلی مستقل می‌داند که باید ماده و ریشه فساد قطع شود، چون فساد در جهان بینی توحیدی و اصول اعتقادات و مذهب و... اجتماع انسانی را به خطر می‌اندازد. قیاس منطقی ذیل شکل می‌گیرد.

- کتب ضاله ماده فساد است (صغری)
- و ماده فساد باید قطع شود (کبری)
- پس کتب ضلال باید نابود شود (نتیجه)

هنگامی که نابود کردن آنها واجب می‌شود یعنی حفظ و نگهداری آنها حرام خواهد بود از باب امر شیئی مقتضی نهی از ضداست.

۴-۱-۲-۲- دلیل دوم: آیه قرآن در سوره لقمان است، «و من الناس من یشتري لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله»

کلمه‌های خریداری کردن و فروش و تقدیم صفت بر موصوف در لهو الحدیث که مهم باطل بودن کلام است چه در نوشته چه در بیان و چه در رسانه و... و مفهوم آیه که مذمت و سرزنش را می‌رساند که عاقبت آن در آخر آیه می‌شود «عذاب مهین»

اینگونه استنباط می‌شود :

- کتب ضلال از مصادیق لهو الحدیث است (صغری)
- و لهو الحدی به حکم آیه حرام است (کبری)
- پس کتب ضلال حرام است (نتیجه)

در این دلیل حذف متعلق مفید عموم است و چون جهت حرام مشخص نمی‌باشد هر عمل و فعل مکلفین که در این رابطه باشد شامل: نگهداری، تعلیم و تعلم، مطالعه و نسخه برداری، خرید و فروش، ذخیره، تصرف و ... حرام است.

و در آیه ۳۰ سوره حج «واجتنبوا قول الزور» در آیه امر به دوری و اجتناب از قول زور شده است و معنای قول زور سخن و بیان ناحق، باطل، کذب و... است لذا اضافه موصوف به صنعت معیار زور و باطل بودن است و استنباط می‌شود.

- کتب ضلال قول زور است (صغری)
 - و قول زور و جوب اجتناب دارد (کبری)
 - پس از کتب ضلال باید اجتناب کرد (نتیجه) حال که دوری لازم است، حفظ و نگهداری حرام است.
- ۱-۲-۳-۴- دلیل سوم: روایت است: در ابتدای جلد اول حدیث تحف العقول آمده است «و کل شیئی یجیئی منها الفساد محضاً»، در بحث صنایع حرام، قید فساد محض وجود دارد لذا استنباط می‌شود:

- کتب ضلال یجیئی منها الفساد محضاً (صغری)
 - و کل شیئی یجیئی منها الفساد محضاً فهو حرام محرم (کبری)
 - فکتب الضلال حرام محرم (نتیجه)
- در اینجا حذف متعلق عموم است پس اعمال اختیاری مکلفین در رابطه با کتب ضلال حرام است که شامل: حفظ، نگهداری، تخریز و.. است.

همچنین از روایت تحف العقول در ابتدای جلد اول برداشت می‌شود.

هر چیزی که به سبب آن شرک و کفر تقویت شود حرام است؛ لذا استنباط می‌شود:

- کتب ضلال سبب تقویت شرک و کفر است (صغری)
 - و هر چیزی که اینگونه باشد حرام است (کبری)
 - پس کتب ضلال حرام است (نتیجه)
- همچنین در عبارت «او باب یوهن به الحق» به این معنی که هر چیزی که مایه وهن و سستی حق در جهان بینی الهی و اعتقادات باشد حرمت دارد لذا استنباط می‌شود:

- کتب ضلال بایی است که یوهن به الحق (صغری)
- و هر چیزی که اینگونه باشد حرام است (کبری)
- پس کتب ضلال حرام است (نتیجه)

۱-۲-۳-۴- دلیل چهارم: اجماع: اجماعی منقول حفظ کتابهای گمراه کننده اجمالاً حرام است و در این حکم بین فقهاء اختلافی وجود ندارد و... و در این حکم بین فقهاء اختلافی وجود ندارد، چنانچه علامه حلی در تذکره ج ۱ ص ۵۸۲ و منتهی ج ۲ ص ۱۰۱۳ همین حکم را بیان کرده است که عبارت «لاخلاف در تحریم» آمده است. (غروی و معتمدی، ترجمه و شرح مکاسب، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

۵- مطلق یا نسبی بودن حرمت :

این بحث را با یک سوال مطرح می‌کنیم، آیا پدید آوردن کتب ضاله و مطالب گمراه‌کننده دائر مدار نیت و قصد است یا اینکه قصد دخالتی ندارد؟ بدیهی است که اگر قصد دخالتی نداشته باشد ایجاد و نوشتن کتب ضاله مطلقاً حرام است. حال اگر نیت و قصد را در صدور حکم دخالت دهیم مسئله متفاوت خواهد بود.

۱- مشهور فقیهان حفظ کتب ضلال را مطلقاً حرام فی نفسه می‌دانند.

۲- گروهی حرمت حفظ کتب ضلال را مطلقاً نپذیرفته‌اند. (صاحب حدائق)

۳- مرحوم شیخ انصاری قید گمراه‌کننده بودن (ترتب اضلال) را برای ممنوعیت شرط می‌دانند.

در هر سه نظر، حکم تکلیفی در زنجیره تولید صحبت از قصد اولیه در تولید و ایجاد کردن و دوم قصد اولیه در توزیع (حفظ، نشر، تدریس و...) در میان است. که قول مختار قول شیخ اعظم است که با قرار گرفتن آثار در ملاک‌ها و معیارهای ضلالت و تشخیص گمراهی حکم حرمت بر اثر جاری و ساری می‌شود.

برای هر یک از اقوال فوق قصد و نیت گمراهی تولید چگونه خواهد بود، یعنی کسی که قصد گمراهی نداشته باشد با کسی که در تولید قصد گمراهی داشته باشد برابرند و یک حکم بر آنها مترتب می‌شود؟

لذا با توجه به حضور استثناءات می‌بایست با هر مطلب گمراه‌کننده رده‌ای که قرینه بر گمراهی‌کننده نبودن آن مطالب بیاورد و اگر مولفی به صورت عام و قطعی مطالبی را نوشت و موجب جهل گردید، این مطلب حرام است برای اسلام که خود را دین رحمت و مکارم اخلاق می‌داند پرداختن مردم به گمراهی دوگانگی است و برای مسلمان قبیح است که مردم را به گمراهی سوق دهد لذا ادله ارائه شده به قبح تالیف و تولید توجه دارد پس حرمت تولید اثر ضلال خالی از پشتوانه دلیل نیست.

۷- حکم تکلیفی و وضعی بیع رسانه ضلال :

در این مبحث به بیع کتب ضلال می‌پردازیم و آن اینکه کتب ضلال مال محسوب می‌شوند یا نه؟ مشهور فقهاء همه متعلقات کتب ضلال را حرام نفس می‌دانند گروهی همه متعلقات را حرام فی نفسه نمی‌دانند و بر آن مالیت در نظر می‌گیرند و گروه سوم که محقق در پی اثبات آن می‌باشد پس از تشخیص ضلال و جعل حکم تکلیفی حرمت و توجه به امکان تبدیل مواد کتب ضاله را در صورت داشتن منفعت، این قسم از کتاب را دارای مالیت می‌دانند و ملکیت را برای هیکل و ماده جایز دانسته‌اند و احکام مال را بر آن مترتب می‌دانند: مثل ارث، وقف ولی منفعت کثیره‌ای برای مابقی اثر قائل نیستند، همچنانکه در کتب مکاسب و شروح آن به تبدیل ماده به خمیر یا ایجاد گرما و یا دفن آن نظر داده‌اند. در همین جا می‌توان با تعمیم موضوع و حکم مساله کتب ضاله به رسانه‌ها، بطلان، از بین بردن و انهدام و از دسترس خارج کردن مطالب گمراهی و سایت‌های ضلال را دارای کفایت لازم دانست.

در رسانه‌ها وضعیت متفاوت است و از بین بردن مفهوم دیگری دارد و معنای آن مرگ محتوای رسانه است، با توجه به قبول نسبی بودن تاثیر محتوا از مالیت افتادن یک تولید به معنی عدم مالکیت درآمد حاصله می‌باشد و اینجاست که تعیین تکلیف برای مسلمان معنا می‌یابد؟ و این سوال مطرح می‌شود که: آیا درآمد حرام حاصله از تولیدات رسانه‌ای ضلال ملحق به درآمدهای عمومی می‌شود یا اینکه حق الناس هر فرد بایست به خود فرد برگردد که شرعی‌ترین راه است، در اینجا نظر محقق‌الحاق این درآمد به درآمدهای عمومی است و یکی از راه‌ها هزینه این مال در راه خدمات عمومی فرهنگی به جامعه است چراکه اگر ۱۰ میلیون نفر اثری ضاله رادر فضای مجازی خریداری کرده‌اند یا به تناوب در سینماهای جهان حضور یابند و هزینه کنند، امکان برگرداندن این پول به این حجم به مردم

بسیار مشکل یا محال است لذا مصلحت ایجاد می‌کند حاکم حکم ثانوی‌اش را اعمال دارد، هرچند که حقوق خرد افراد پایمال می‌شود ولی از جایی دیگر به آنها خدمات عمومی ارائه گردد.

۸- مبانی حقوقی نشر آثار فکری و هنری ضلال :

قبل از این بحث به مبانی فقهی جرم‌انگاری در اسلام پرداخته‌ایم، در این قسمت به منابع حقوقی مرتبط با موضوع در حقوق ایران می‌پردازیم از جمله : قانون اساسی، قوانین بین‌المللی و جهان اسلام، قوانین عادی و مطبوعات .

۸-۱- قانون اساسی :

در رابطه با رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی در ابتدای قانون اساسی آمده است:

« وسایل ارتباط جمعی « رادیو - تلویزیون » بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه « برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند » در اصل چهارم آمده است : « کلیه قوانین و مقررات مدنی، جرایمی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی و نظامی و سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد» و در اصل ۱۶۷ قانون اساسی (یکصد و شصت و هفتم) آمده است «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید. »

همچنین قوانین ذیل در محدود نمودن و ضابطه مند نمودن جرم‌انگاری دخالت دارند:

اصل ۲۲ قانون اساسی اصل مصونیت جان، مال، حقوق، مسکن، و شغل افراد است .

اصل ۲۳ قانون اساسی اصل منع تفتیش عقاید.

اصل ۲۴ قانون اساسی، اصل آزادی بیان نشریات و مطبوعات.

اصل ۲۵ قانون اساسی ، اصل منع تجسس

اصل ۲۶ قانون اساسی، اصل آزادی احزاب ، جمعیت‌ها، انجمن‌ها و ازادی شرکت در آنها .

اصل ۲۷ قانون اساسی: اصل تشکیل اجتماعات و راهپیماییها.

اصل ۲۸ قانون اساسی: اصل آزادی شغل .

اصل ۳۲ قانون اساسی: اصل منع دستگیری .

اصل ۳۳ قانون اساسی: اصل منع تبعید .

۸-۲- بحث و تحلیل حقوقی:

اصل ۱۷۵ قانون اساسی:

بر اساس اصل ۱۷۵ قانون اساسی « درصدا و سیما جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تامین گردد».

۸-۲-۱- حقوق رسانه و قید رعایت موازین اسلامی:

دو عبارت کلی (رعایت موازین اسلامی و رعایت مصالح عمومی) بعنوان دو معیار برای قاعده‌گزینی در تشخیص مطالب رسانه‌های ضلال می‌باشند.

در این رابطه دو ضابطه برای ضابطه‌مندی وجود دارد:

- شرط باید موافق کتاب و سنت باشد.
- شرط نباید مخالف کتاب و سنت باشد.

باید با دقت عقلی در ادله احکام، تشخیص دهد که حکم مورد نظر از کدام دو قسم است و اگر نتوانست به نتیجه‌ای برسد، اصل عدم مخالفت جاری کند.

۸-۲-۲- حقوق رسانه و قید مصالح عمومی:

مصالح عمومی، منافع‌های عمومی است که نیازهای جامعه را به گونه‌ای عادلانه بر آورده می‌نماید، بنابراین رعایت مصلحت ضابطه‌ای مستقل نیست و در مورد رسانه‌ها باید‌ها و نبایده‌هایی است که در نبود امر و نهی شارع بدون تراحم با عدالت توسط حاکم شرع جعل می‌گردد و احکام تکلیفی و وضعی صادر شده از آن لازم الاجراء است و ترک فعل آن ضمان‌آور است.

دو نگاه فقهی یکی نگاه به فرد به عنوان هدف اصلی و دیگری نگاه به جامعه‌ای که فرد کوچکترین و مهم‌ترین عضو آن است مورد توجه علماء قرار گرفته است، گروه دوم که از اساتید و فقهاء تراز اول شیعه می‌باشند با استدلال‌ات نقلی و عقلی فقه حکومتی و سیاسی را برای حفظ اسلام اولی می‌دانند تا از سستی دین و... با تشکیل حکومت اسلامی جلوگیری نمایند.

مصالح معتبر انسانی «مصالح فرد و جامعه» عبارتند از: صیانت از سلامت و جان افراد، مصونیت آبرو و حیثیت افراد، دفاع از نسل و ناموس سلامت عقل و روان، حمایت از اموال عمومی، دفاع از مالکیت خصوصی، تامین آسایش مردم، حفظ امنیت جامعه، احترام به باورهای دینی، دفاع از آرمانها و نظام ارزشی جامعه. (دانش پژوه ۱۳۹۵، ۱۱۱)

قید موازین اسلامی مورد نظر ما نیست و به ادامه بررسی مصالح عمومی می‌پردازیم؛ دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی بیان می‌دارند: «مصالح، زیر بنای قانون‌گذاری و قوانین، مصالح و آدمیان است». (جعفری لنگرودی ۱۳۹۰، ۶۵۱)

تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام به دستور امام خمینی (ره) از نتایج توجه امام راحل به تکلیف‌گرایی اجتماعی است که نشانه‌ها و افتخارات فقه مترقی امامیه به حساب می‌آید.

۸-۳- قوانین عادی:

جرم‌انگاری در قلمرو فردی و عمومی:

الف- حیثیت و آبروی اشخاص

ب- مبارزه با فساد اجتماعی

پ- رعایت موازین اسلامی

ت- حفظ استقلال کشور

ث- جلوگیری از انتشار اسرار

۸-۴- سایر جرائم :

موارد ذیل می‌توانند از مصادیق ضلال قرارگیرند: تضعیف مبانی توحیدی، دینی، شبه افکنی در نبوت و امامت، تضعیف فلسفه سیاسی جمهوری اسلامی و تضعیف حکومت اسلامی، ترویج مکاسب و ساخت صنایع حرام تضعیف مبانی اخلاقی و عرفی، تضعیف مبانی ملی و قومی، ترویج و اشاعه فرهنگ غرب.

۸-۴-۱- قوانین بین‌المللی و جهان اسلام:

طبق ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (تصویب شده در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۷) مجمع عمومی سازمان ملل متعدد اشعار می‌دارد: « هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد ».

در ابتدای سطر « داشتن حق آزادی عقیده » مستند به آیه « لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشد من الغی » این حق را می‌پذیرد ولی در ادامه همین جمله اعلام می‌دارد که راه از بیراه آشکار است.

بنابراین «لا اکراه فی الدین» یعنی قبول و رد دین در جو سالم اجتماعی به صورت بحث اشکال ندارد؛ زیرا در جمله «قد تبیین الرشد من الغی» حق از باطل روشن گردیده است. ولی اگر بی‌دین‌ها بخواهند با ترویج باطل، سلامت اجتماع را به خطر اندازند و تشخیص حق و باطل را مشکل گردانند، باید با آنها برخورد جدی شود و حکم اعدام مرتد نیز به همین جا مربوط می‌شود. (بهرام پور، ۱۳۹۸، ۴۲)

«اعدام مرتد تنها از این جهت نیست که دین را علنی رد کرده، بلکه بدان جهت است که این کار او را در اجتماع موجب سستی ارکان دین شده است.» (بهرام پور، ۱۳۹۸، ۴۲)

و در مقدمه قانون اساسی « پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت انبای بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید، بر عهده همگان است... ».

بند ۲ ماده ۹۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (تصویب شده ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶) نیز اشعار دارد: هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به ثغور و مرزها؛ خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا بصورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.

در مسئله آزادی تفحص و تحقیق در رابطه با اخبار نص وجود دارد که خداوند در قرآن کریم درسوره حجرات بر این بررسی قبل از عمل تأکید دارد اما در رابطه با «تحصیل و اشاعه» موضوع متفاوت است. به همان مویدی که در کنکاش قانون اول اعلام شد آزادی مطلق در تحصیل و اشاعه در هیچ نظام حقوقی کنونی دنیا وجود ندارد چه دینی و چه غیر دینی.

۸-۴-۲- قانون مطبوعات :

ماده ۲ قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴: رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد عبارت است از: الف - روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در ماده ۱. ب - پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است. ج - تلاش برای نفی مرزبندیهای کاذب و تفرقه‌انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند دسته‌بندی مردم بر اساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی و... د - مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری (اسراف،

تبدیل، لغو، تجمل پرستی، اشاعه فحشاء و... و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضائل اخلاقی. ۵- حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی و نه غربی. تبصره - هر یک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق‌الذکر سهمیم و باموارد دیگر به هیچ وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد.

۵-۸- بحث و بررسی حقوقی اول:

جرم‌انگاری در اسلام بر اساس منابع اسلامی است و بر خلاف جرم‌انگاری عرفی که پایه و اساس با ثباتی ندارد دارای بنیان‌های قوی استدلالی است و تا آنجا که نصوص شرعی حضور دارند به استخراج حکم شرعی می‌پردازند و در عدم دسترسی به حکم از طریق علوم اسلامی همچون اصول تکلیف مردم را مشخص می‌نمایند و در جایی که از هیچکدام از طرق فوق به نتیجه نرسیدند با پشتوانه حکم ثانوی و به مصلحت اجتماعی باید و نبایندی صادر می‌شود تا مکلفین از سردرگمی نجات یابند.

جرم‌انگاری در ایران اسلامی در محدود و چارچوب شرع، قانون اساسی و سایر قوانین که بر گرفته از مبانی حقوق اسلامی است قرار گرفته است و به مردم و اصحاب رسانه این اعتماد و اطمینان را ارزانی می‌کند که آزادی، جان، مال، آبرو و امنیت طرفین مورد تعارض دیگری قرار نمی‌گیرد.

در کلیه قوانین مرتبط با محتوای رسانه‌ها، دو عبارت رعایت حقوق فردی و رعایت حقوق اجتماعی به چشم می‌خورد، وجه اشتراک قوانین اسلامی عدم تخلف از موازین اسلامی و رعایت مصالح عمومی و نظم اجتماعی است که در قوانین جهان اسلام و اساسی و عادی کشور گنجانیده شده است و این معیارهای قانونی در حقوق ایران ملاک اصلی تشخیص ضلال در رسانه‌ها و فضای مجازی قرار گرفته است.

۹- مسئولیت:

مسئولیت مدنی ناشی از نشر مطالب ضاله؛ الترام به جبران خسارت به دیگران مسئولیت مدنی نام دارد که امکان دارد خسارت مادی، معنوی و جسمی باشد، که نیازمند جبران است. با توجه به اینکه هدف مسئولیت مدنی جبران خسارت است مستند به قاعده لاضرر و غرور در فقه و مسئولیت مدنی مستند (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ش ۹۰) شرایط تحقق مسئولیت مدنی، وجود خسارت، تقصیر یا ارتکاب فعل مجرمانه و سوم رابطه سببیت بین فعل زیان بار با تقصیر و ضرر است.

فقهاء از واژه «ضمان» در مسئولیت بهره برده‌اند که مسئولیت مدنی و کیفری را شامل می‌شود، بدیهی است «در مسئولیت جزایی علی الاصول عمد شرط تحقق جرم و مسئولیت است برخلاف مسئولیت مدنی که در قانون ما حتی وجود خطا و مسامحه و اهمال هم شرط آن نیست». (عباسی، محمود، ۱۳۸۲، ص ۴۶) «اساساً در حقوق جزاء اساس مسئولیت کیفری بر پایه جرم و خطای مرتکب استوار است لذا غیر از جرائم عمدی که مرتکب با اختیار و اراده و با قصد معین و داشتن شعور، به ارتکاب آن مبادرت می‌ورزد، در جرائم غیر عمد، برای اعمال مجازات تنها ارتکاب عمل مادی کافی نیست تا بتوان کسی را در معرض مسئولیت و مجازات قرار داد بلکه باید مرتکب، خطائی اعم از بی‌احتیاطی، قصور، بی‌مبالاتی، عدم مهارت یا عدم رعایت نظامات دولتی شده است تا مستحق مجازات باشد». (عباسی، محمود، ۱۳۸۲: ۴۷).

۹-۱- شرایط تحقق مسئولیت کیفری:

عنصر قانونی: تنها قانون می‌تواند فعل یا ترک فعلی را جرم بشناسد. اصل قانونی بودن جرایم.

عنصر مادی: از سه مرحله ارتکاب جرم، فکر مجرمانه، فراهم آوردن مقدمات ارتکاب جرم و انجام فعل مجرمانه فکر مجرمانه قابلیت مجازات ندارد و شروع به جرم و فعل مجرمانه عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهند. مثل انتشار مطبوعات و پخش سیما.

عنصر روانی: منظور از عنصر روانی آن است که مرتکب اولاً، اراده ارتکاب جرم داشته باشد و بخواهد عملی را انجام دهد. ثانیاً، اراده ارتکاب او با قصد مجرمانه یا خطا توأم باشد. (صانعی، ج اول، ۱۳۷۶، ص ۳۰۵) بعبارتی قصد ارتکاب فعل مجرمانه را گویند.

۹-۲- مسئولیت مدنی خطاکار و یا تقصیردار:

خطا در لغت به معنی نادرست است و گناهی که از روی عمد نباشد. (عمید ۱۳۸۶، ج ۱، ۸۶۶) بوده و در اصطلاح خطای کیفری وصف عملی است که به غفلت یا نسیان یا جهل یا اشتباه یا بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی کاری مخالف قانون کند. (جعفری لنگرودی ۱۳۷۸: ج ۳، ۱۸۱۸). تقصیر در لغت به معنای در کاری کوتاهی و خطا کردن است. همچنین به گناه و خطای عمدی نیز گفته می‌شود. قصور در لغت به معنی عاجز گردیدن، فروماندن، کوتاه آمدن و... است. در اصطلاح حقوقی عبارت است از ترک یک قانون الزامی بدون اینکه مسامحه‌ای در آن شده باشد. امکان بروز قصور در تمامی مشاغل و فعالیت‌های اجتماعی از جمله کار پلیس وجود دارد. (آخوندی، ۱۳۸۴: ۵۳).

حال باز نشر مطالب گمراه کننده نیز چون موجب گسترش و توسعه فحش‌های شود جایز نیست و شخص در قبال حکومت اسلامی که مصلحت اجتماعی را در نظر می‌گیرد و افراد ضرر دیده مسئولیت دارد.

۱۰-۱- بحث و بررسی نشر و بازارسال:

نشر به معنای، منتشر کردن نسخه‌های کتاب یا رساله، گستردن، پراکنده کردن خبر، نام و شهرت و غیره، زنده کردن مردگان در روز قیامت. (اصطهبانی ۱۳۸۷، ۸۴۱-۸۵۰) و پراکنده کردن (صحیفه یا مانند آن) منتشر کردن نسخه یا رساله، پهن کردن - جامه را گستردن، پراکنده کردن خبر، نام و شهرت و غیره، زنده کردن مردگان در روز قیامت. (معین ۱۳۸۵، ۱۱۱۰) می‌باشد و بازنشر که معادل آن در این مقاله به دلیل تمرکز بر فضای مجازی، بازارسال نام گرفته است، هر یک از بازارسال‌ها در شبکه‌های اجتماعی به نحوی خاص صورت می‌گیرد و معنای متفاوتی دارد ولی نظر محقق >> پیام‌ها و آثاری است که پس از ارسال فردی یا گروهی به فرد یا گروه دیگری ارسال شود <<. رویکردهای متفاوتی در بازارسال قابل فرض است بعنوان نمونه بازارسال خودکار توانایی دارد، پیام‌ها را به صورت خودکار به نشانی دیگری بازارسال کند و بدون دخالت گیرنده پیام، همه پیام‌های جدید یا فقط پیام‌هایی خاص را به گیرندگان خاصی بازارسال کنند. ارسال به معنی فرستادن است و با دوباره ارسال کردن تفاوت دارد و می‌تواند مترادف نشر اولیه قرار گیرد.

نشر یا از طریق خود فرد صورت می‌گیرد و با عبارت «من این را گفتم» و یا توسط فرد دیگری در متن یا اثر دیده می‌شود و با عبارت «او این را گفت» پایان می‌پذیرد اما در بازارسال ضمیر اول شخص وجود ندارد و بازارسال تابع قوانین نقل قول است و از مصادیق آن می‌توان به قانون کپی رایت اشاره نمود.

هر بازارسالی را از چند جنبه می‌توان در نظر گرفت، یکی ارسال خودکار پیام‌ها با هدف به اشتراک‌گذاری خبرها که مسئولیت‌های آن قابل بحث است دوم بازارسال بدون سوء نیت و سوم بازارسال مدیریت شده که مورد نظر این مقاله نوع سوم این بازارسال می‌باشد که بازارسال کننده با اطلاع از محتوا و پذیرش ضمنی آن آثار را نشر می‌دهد و مسئول ضررها خواهد بود و تدارک و جبران آن وظیفه عامل بازارسال کننده می‌باشد.

۱۰-۱- مشارکت بازاریارسال کننده:

ظاهراً در زنجیره تولید رسانه‌ها پس از نویسنده و تولید کننده آثار گمراهی، در صورت قطع زنجیره ارسال با جلوگیری و عدم نشر و توزیع اثر ضلال مسئولیت به ماقبل بر می‌گردد و کل مسئولیت به صورت مشارکت در فعل خلاف بر عهده قبل از قطع زنجیر است و در صورتی که نویسنده تولیدکننده و ارسال‌کننده یک نفر باشند مشارکت در جرم معنا دارد ولی در بازارسال مسئولیت وجود دارد ولی مشارکت در جرم معنا ندارد.

۱۰-۲- کمیت یا کیفیت بازارسال مطالب گمراهی:

از ظاهر قوانین کنونی در فضای مجازی این برداشت می‌شود که توجه قانون‌گذار به کمیت بوده است نه کیفیت در جایی که کمیت ۱۰ نفر را برای تعیین جرم در نظر می‌گیرند بجز موارد جزئی همچون حکم افساد فی الارض حاصل از پورنوگرافی‌های مدیریت شده توجه به کمیت تراز مناسبی برای این موضوع نمی‌باشد.

مؤید این موضوع را می‌توان در آموزه‌های اسلامی مشاهده نمود جایی که خون و نفس یک مومن به مثابه همه خون و جان مومنین است و جایی که آبروی مومن به مثابه کعبه است، تاکید می‌گردد در ارسال و بازارسال مطالب گمراهی فرد و غالب افراد مهم نیست بلکه آنچه حائز اهمیت است محتوا و کیفیت مطالب ضلال است چه بسا محتوایی خنثی و دارای کجروی قلیلی بوده و به تعداد افراد بیشتری ارسال شده است ولی تاثیر چندانی نداشته است در مقابل محتوایی کم حجم و بسیار کوچک آمیخته با هنر و اغراض مدیریت شده، برای تعداد معدودی اشخاص فرستاده شود و تاثیرات مخرب آن در طول زمان بسیار بیشتر و فراگیرتر باشد، بنابراین توجه به کیفیت اثر که ناشی از قدرت هنری ناشر مطالب گمراهی است در قوانین فضای مجازی (مثلاً ارسال پیام به ۱۰ نفر) از کفایت بیشتری برخوردار است.

۱۰-۳- مسئول نشر ضلال و تدارک ضرر در رسانه‌ها:

نویسنده؟ سردبیر؟ مدیر مسئول (مدیر پخش)؟ تهیه کننده؟ صاحب امتیاز (مالک رسانه)؟ ناشر؟ پخش کننده؟ فروشنده؟

در این رابطه دو رویکرد وجود دارد:

۱۰-۳-۱- مسئولیت همه عوامل

این مسئولیت در صورتی که همه عوامل از ضاله بودن محتوا اطلاع داشته باشند. یا با سوء نیت عملی را انجام دهند مفصر هستند در غیر این صورت بدلیا اصل «شخصی بودن مسئولیتها کیفری»، هر کس مرتکب جرم شود در قبال آن مسئول خواهد بود مسئولیت ناشی از فعل دیگری پذیرفته نمی‌باشد. البته هر شخصی به نحوی در ارتکاب جرم معاونت داشته باشد و در قبال فعل خود مسئول بوده و معاون جرم محسوب می‌شود.

۱۰-۳-۲- مسئولیت پلکانی (سلسله مراتبی)

در صورت ارتکاب یک جرم مطبوعاتی، مدیر مسئول، مسئولیت دارد. پله دوم نویسنده، پله سوم ناشر و در نهایت پخش‌کننده مسئول است. تعیین مسئول بعد از تشخیص مطالب ضاله است و در درجه دوم قرار دارد، و در رویکرد پله کانی نویسنده، ناشر، توزیع‌کننده، فروشنده و سایر اشخاص به عنوان شرکای جرم مسئول هستند.

۱۰-۳-۳- نظر مختار :

مدیر مسئول و تولید کننده و ناشر مطالب گمراهی در رسانه‌ها و فضای مجازی بدلیل ضرر و ضرار حاصل از گمراهی ایجاد کرده و نشر داده شده ضامن و مسئول هستند و موظف با تدارک و جبران ضررهی معنوی و مادی ناشی از گمراهی حاصل شده می‌باشند، این در حالی است که در زنجیره یا فرآیند تولید این امکان وجود دارد که نویسنده یک شخص، تولید کننده شخص دوم و ناشر شخص سوم و بازارسال کننده نفر چهارم باشد که در اینجا این سؤال مطرح است که بازارسال کننده هم مسئولیت دارد؟ در پاسخ می‌توان گفت قصد اغواء و اضلال در ضمان موثر است و ارسال و بازارسال همراه با ضلال و تأیید تقصیر قطعاً مسئولیت‌آور است و تدارک و جبران خسارت معنوی و مادی قابل مطالبه است .

تعیین مسئولیت؛ ایجاب می‌کند عوامل اصلی و فرعی و نقش آنها در ضلال مشخص شود لذا هیچ یک از دو رویکرد فوق دارای پشتوانه لازم نیستند، هر دو مورد فوق با اصل مسئولیت شخصی در تارض هستند و نمی‌شود به دلیل تخلف یک شخص، فرد دیگری را محاکمه نمود. لذا محقق تأکید دارد مسئولیت هر شخص با سوء نیت فرد می‌بایست بررسی شود و پس از آن مسئولیت هر فرد را بسته به معاونت یا مشارکت تعیین نمود .

۱۱- مسئولیتهای ارسال آثار هنری و فکری ضلال و چگونگی جبران ضرر در رسانه‌ها:

وارد کردن هرگونه خسارت بر اشخاص حقیقی حقوقی ضمان‌آور است و اشخاص موظف به تدارک و جبران خسارات معنوی و مادی وارده هستند نشر و بازنشر یا بعبارت دیگر ارسال و بازارسال نیز از این قاعده تبعیت می‌نماید.

ارائه‌دهنده محتوای ضاله در رسانه و فضای مجازی، مجرم و مسبب اصلی است پس با توجه به شخصی بودن مجازات‌ها در اسلام و آزادی فردی و امنیت قضایی دیگران، مسبب اصلی یا نویسنده محاکمه می‌شود اما این رافع مسئولیت مدیر مسئول، صاحب امتیاز، سردبیر و هیات تحریریه و بازارسال‌کننده و توزیع کنندگان نمی‌شود.

چراکه اگر بر اثر بی‌مواالاتی این محتوا از نظارت این گروه خارج گردیده است که مسئولند و اگر هم عمد و غرض خاصی داشته‌اند که مراتب مسئولیت آنها بیشتر است، در فقه نیز با توجه به مستندات فقهی نقلی و عقلی مثل آیه « و تعاونوا علی البر والتقوی ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان » مائده (۵)، آیه ۲) که در راه نیکی و تقوا با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، گروهی از علماء اعلام می‌دارند که تعاون بر اثم نهی شده است و نهی دلالت بر حرمت دارد و گروهی از علماء نیز این را نپذیرفته‌اند که در این بحث قول اول را می‌پذیریم .

در قوانین موجود در ارتباط با رسانه‌ها، مطبوعات و فضای مجازی وجه اشتراک همه آنها مخل نبودن به مبانی و موازین اسلامی یا مخل حقوق عمومی نبودن دو واژه کاربردی است که مورد توجه حقوق دانان قرار گرفته است، همچنین است عدم مخالفت با قوانین عالی کشور.

اما در فقه معیار و ضابطه کلی تشخیص مطالب گمراهی میزان فاصله مطالب از دو واژه (حق و هدایت) است .

در زنجیره نویسنده‌گی، تولید محتوای گمراهی از ابتداء تا قطع کننده آن همگی افراد زنجیره نشر با توجه به ادامه نشر، این زنجیره را پسندیده و رضایت ضمنی خود را با این بازارسالها اعلام می‌دارند و به این نحو ارسال مطالب ضلال را تأیید می‌نمایند، بدیهی است قبل از ارسال هر خبر مستند به آموزه‌های اسلامی همانند آیه نباء می‌بایست موثق بودن خبر دهنده مورد تحقیق قرار گیرد و حداقل در مورد محتوای دریافتی تفکر نموده که آیا این محتوا ضلال هست یا خیر؟ اگر معیار کلی‌تر را گمراهی در عدم رضایت خداوند متعال بیان نمایم، بطور کلی دو معیار و ملاک یعنی <<حق و هدایت>> بدست می‌آید که کلی‌ترین ترازوی است که از آموزه‌های اسلامی بدست

آورده ایم و می‌توان از آن بعنوان تراز و ضابطه تشخیص ضلال در رسانه‌ها و فضای مجازی بهره جست. ظاهراً اگر دریافت‌کننده مطالب ضلال پس از دو عمل فوق یکی موثق بودن مخبر و دوم در تراز حق و هدایت بودن به نتیجه‌ای نرسید با استناد با اصل اباحه هیچگونه مسئولیتی در قبال ارسال و بازارسال نخواهد داشت. اما در صورت تشخیص گمراهی فرد موظف به اعدام و انهدام مطالب ضاله و قطع زنجیره می‌باشد. همچنین در صورت عدم ضرر و ضرار حاصل از مطالب گمراهی حتی اگر ضرر و زیانی هم در ظاهر وارد نشده و نمایان نشود، بدلیل تشویش اذهان عمومی ضمان‌آور است. تاثیر رسانه‌ها بر عموم مردم امر بدیهی است، حال اگر ضرری به مردم از طریق رسانه‌ها وارد شود می‌بایست تعریف و دلیلی برای شناخت ضرر ایجاد شده و روش جبران آن در نظر گرفته شود.

شرط تحقق مسئولیت در تسبیب می‌تواند:

عداوان، تجاوز، ناروایی شرط باشد لذا در تسبیب وجود تقصیر شرط ایجاد مسئولیت است، یعنی باید عملی که باعث خسارت شده است ناشیست باشد. در تسبیب کاری که مسبب نسبت داده می‌شود باید در نظر عرف عداوان خطا باشد.

مجری دروغ پرداز به دلیل عداوان مسبب دشمنی فردی را با اداره‌ای ایجاد کند و آن فرد اداره‌ای را به خطا آتش می‌زند، مجری تخلف کرده است در اینجا سه عنصر مسئولیت وجود دارد: آتش زدن اداره وجود ضرر را اثبات می‌کند. فرد نیز مرتکب فعل زیانبار شده است. اینکه رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرری که وارد کرده است وجود دارد. مجری اشاعه فساد کرده است پس کاری حرام نموده است.

ماده ۲. مورد د: مبارزه با مظاهر فرهنگی استعماری (اسراف، تبذیر، لغو، تجمل پرستی، اشاعه فحشاء و...) و ترویج فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی. در اینجا نیز اگر روزنامه نگاری مردم را تشویق به حرکت در مظاهر فرهنگی غرب یا شرق نماید و موجبات دوری از فرهنگ اسلامی و حرکت به سمت رذائل اخلاقی نماید مشمول قوانین مطبوعات خواهد شد.

۱۲- تجزیه و تحلیل:

۱۲-۱- تحلیل فقهی:

حکم اتلاف محتوای گمراهی در برخورد با کتب و مطالب ضلال در رسانه‌ها بر اساس قول مشهور واجب است شیخ انصاری برای اولین بار روش اتلاف را بیان می‌کند. ازاله خطوط کتاب ضلال با آب یا دفن در زیر خاک یا پاره کردن کاغذهای آن و انداختن تکه‌های آن در آب یا بیابان و... و در صورت رعایت استثناء می‌نویسد: ضابطه‌ی این موارد اطمینان فرد از عدم ضلالت خود است.

محقق تاکید دارد در رسانه‌ها محتوایی که ضلال باشد بدلیل تاثیرگذاری فراگیر آن می‌بایست یا از دسترس خارج نمود یا اینکه آن را از بین برد، هرچند این شبهه پیش می‌آید که این نظر با ادعای آزادی بیان لیبرالیستها تعارض دارد اما در جواب می‌توان اعلام نمود آزادی بیان مطلق در هیچ جای جهان وجود خارجی ندارد و مصادیق آن هولوکاست و... است که امپراطوری رسانه آنرا سانسور نموده است با این وجود فلسفه اسلام برپایی جهان بینی توحیدی است و این برپایی این نظام لازمه اش داشتن برنامه و احکام (دستورالعمل‌های عملی) است که با این برنامه‌ها بشریت را به سرمنزل حقیقت برساند چنانچه در سوره بقره آیه ۲۰۵ خداوند متعال می‌فرماید فساد و تباهی را دوست ندارد، در مورد بشر العباد و بیان دیدگاه مخالف و حقوق شهروندی که در ظاهر تعارض بدوی دارند آیه ۱۹ سوره نور که به تشیع فاحشه و آیات متعددی که در مورد فساد در قرآن وجود دارد نشان دهنده رسانه‌هایی است که مصداق بارز فساد و تشیع فاحشه هستند و قابل تحلیل است و هیچ عقل سلیمی حکم به آزادی امور فساد و عدم مواجهه نمی‌دهد و حقوق شهروندی تا وقتی محترم و مسلم این است که فساد زان نباشد و این حقوق مطلق نیست و عدم ایجاد فساد یکی از قیده‌های شرعی و عقلی (سیره عقلاء، دلیل عقلی) و عرفی است.

از بعد دیگر حقوق شهروندی، حق سلامت معنوی و حق بهداشت روانی هر شهروند که مورد توافق اساتید است، آیا این مسائل مطرح پاسخگویی حق سلامت معنوی و حق بهداشت روانی است؟ اگر خداوند اختیار به انسان داده که خلاف کند این جواز تخلف و ترویج فساد نمی باشد و دلیل بر ترویج نداریم و تا جایی حق شهروندی باز است که به سلامت روانی دیگران ضرری نرسد و دوری از خطر و ضرر محتمل مورد پذیرش همه عقلای عالم می باشد.

جرم انگاری فرآیند ممنوعیت فعل یا ترک فعل توسط قانون گزار است که منجر به وضع ضمانت اجرای کیفری می شود، با بررسی پیشینه مساله کتب ضاله از اقوال مشهور دیگر قول شیخ انصاری مورد تائید قرار می گیرد و قول تعداد خاصی از فقهاء که با بیان منفعت کثیره یا دلایل دیگر حفظ و توزیع و... کتب ضلال را حرام نمی دانند رد می شود و قول این گروه کفایت لازم را برای ضررهای عمده انحرافی مردم ندارند لذا قول مشهور و شیخ انصاری در حرمت کتب ضلال پذیرفته می شود و در مال بودن هیکل و ماده قول شیخ اعظم پذیرفته می شود و موضوع را مطلق فرض نم کنیم، به استناد به رساله آقای احمد علی قانع از دانشگاه امام صادق(ع) که تعمیم موضوع و حکم کتب ضلال را به هرگونه پیام تائید می نماید، در اینجا نیز به پشتوانه دلایل نقلی و عقلی ذکر شده در مقاله تعمیم موضوع و حکم به فضای مجازی را دارای کفایت لازم می دانیم.

برخی از فقهاء اعلام داشته اند که مطالب گمراهی باید غالب مراجعه کنندگان را به گمراهی بیندازد در صورتی که محقق اعلام می دارد، صرف گمراه بودن مطالب و آثار از دیدگاه اسلام برای ضلال بودن مطالب از کفایت لازم برخوردار است.

با توجه به اینکه شکل و ماده کتاب در مساله کتب ضلال موضوعیت ندارد، با تعمیم موضوع و متعلق حکم و حکم کتب ضلال به فضای مجازی شکل و ترتیب شکلی رسانه ها مورد نظر محقق نمی باشد و آنچه مورد توجه می باشد به دور از ماده و هیکل کتاب و... محتوا و کیفیت تولیدات ارائه شده در فضای مجازی و رسانه ها است.

قرآن و سیره نبوی و سیره علوی حاکی از تحمل عقاید تا حد خاصی بوده اند و آنجا که موضوع به گمراهی افراد و اقشار منجر می شده است با قدرت تمام همانند مسجد ضرار و خوارج نهروان پا به میدان مبارزه نهاده اند و ریشه فساد را از بنیان خشک نموده اند؛ عده ای از مدعیان آزادی از منابع اصیل اسلامی برای خدشه دار کردن آزادی بیان استفاده می نمایند در پاسخ به این گروه نیز عنوان می گردد با همه آزادی های اعلامی در عرف و قانون هیچ کشور آزادی مطلق دیده نمی شود و نمونه آن هلوکاست و امپراطوریهای رسانه های غرب علیه جهان بشریت است.

در پاسخ به این سؤال که مسئولیت ناشر و بازنشر کننده مطالب ضلال در رسانه ها و فضای مجازی در حقوق کیفری کنونی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ بحث را اینگونه آغاز می نمایم که ناشر به سبب اینکه با افراد جامعه در ارتباط است ملزم به رعایت قوانین و هنجارهای اجتماعی است و موظف است مواظب تشویش اذهان عمومی باشد، مطابق بند ۱۵ ضوابط نشر، ناشر حتی در مقابل نسخه پیش از چاپ آثار خود مسئولیت حقوقی دارد یعنی در مقابل عدم انطباق با ضوابط مسئول است. همچنین در اصل ۱۷۵ قانون اساسی دو واژه «رعایت موازین اسلامی و تامین مصالح عمومی» مورد توجه قانون گذار می باشد. هرگونه نقض این موارد مسئولیت آور است. ناشر و بازنشر کننده نه تنها مسئول و ضامن تولیدات ضلال نشر داده شده هستند، بلکه ضامن و مسئول تدارک و جبران ضرر ها و زیان های قانونی، معنوی و مادی ناشی از تولید و نشر محتویات گمراهی نیز می باشد.

۱۲-۲- تحلیل حقوقی جرائم رایانه ای :

حقوق رسانه، شاخه ای از حیات اجتماعی بشر است که رعایت «حق» و «تکلیف» در آن مورد نظر حقوقدانان می باشد، در حقوق اسلامی این که چه کسی حق دارد و چه کسانی تکلیف بر عهده فقهاء و حقوقدانان اسلامی قرار گرفته است.

در موارد قانونی مرتبط با موضوع دو جنبه قابل ملاحظه است، یکی قوانین شکلی که مورد نظر این مقاله نمی باشد و بخش محتوایی آثار فکر و هنری که موضوع مورد نظر آن می باشد. مواد قانون مجازات اسلامی از ماده ۷۳۰ به بعد به موادی که از مصادیق ضلال در فقه هستند توجه دارند همانند، شنود غیرقانونی ماده ۷۳۰، جاسوسی و براندازی نظام ملی و اسلامی ماده ۷۳۱، ماده ۷۴۲ که به انتشار، تولید و ذخیره محتویات مستهجن و معامله با قصد تجارت و افساد با این قید که «محتویات و آثار مبتذل به آثاری اطلاق می گردد که دارای صحنه ها و صور قبیحه باشد» و قید «چنانچه مرتکب اعمال مذکور در این ماده را حرفه خود قرار داده باشد یا به طور سازمان یافته مرتکب شود چنانچه مفسد فی الارض شناخته نشود» و قید «محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیر واقعی یا متنی اطلاق می شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است» ماده ۷۴۳. و در ماده ۷۴۵ تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع و فریب را افزوده است. بر ملا کردن اسرار دیگری منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت شود و ماده ۷۴۶ تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی و نشر اکاذیب همگی از مصادیق ضلال می باشند. البته در ماده ۷۴۹ «تعیین مصادیق موضوع محتوای مجرمانه» مورد نظر قرار گرفته است که بسیار پسندیده می باشد اما ملاک و معیاری برای تعیین مشخص نشده است که نظر مختار محقق این است که دو عبارت «حق و هدایت» برگرفته از مبانی تشخیص ضلال می توانست دست متولیان مصداق انگاری و قضات را در جرم انگاری و حتی حمایت از اصحاب رسانه بازتر نماید. در ماده ۷۶۴ و ۷۶۵ نیز «ظن قوی در مورد کشف جرم» مورد نظر قانون گزار می باشد، که در صورت ظن داشتن به مجرمانه بودن محتوا و عمل های رایانه ای تفتیش و توقیف با حضور و بدون حضور صاحبان رسانه امکان پذیر است، حال این سؤال طرح می شود که در صورت یقین به ضاله بودن یک رسانه حق چیست و تکلیف مسلمانان چیست؟ در پاسخ به این سؤال به این یافته این تحقیق اشاره می شود که در صورت قطعی بودن ضلال و سرایت احکامی همچون افساد فی الارض و کفر و ارتداد، توقیف، از دسترس خارج کردن و از بین بردن محتوا دارای کفایت حقوقی نیز می باشد.

نتیجه:

با در نظر گرفتن ادله و مباحث تفصیلی به نظر می رسد قول فقهای مشهور و مخصوصاً شیخ اعظم انصاری که اظهار می دارند حفظ کتب ضلال حرام است و انهدام آن بغیر از استثنائات آن واجب است، از اتقان عملی بهتری برخوردار دارند و ادله محکمی از قرآن، روایات، بنای عقلاء آنرا تایید کرد.

بر اساس دلایل اعلامی تعمیم موضوع کتب ضلال به رسانه و فضای مجازی از کفایت لازم برخوردار است و مطالب گمراه کننده که اثر قهری آن اضلال است و لازمه ی آن محتوا می باشد تکلیفاً حرام به شمار می آید و تولید و توزیع مطالب ضاله که برای اضلال مردم ایجاد شده است، چه پیام باشد و چه کتاب و چه رسانه و چه فضای مجازی چون شارع مستند به ادله نقلی و مستقلات عقلی قبیح را رد کرده شرعاً مردود است.

اگر در حلال یا حرام بودن محتوایی که مورد استفاده مخاطبین قرار می گیرد شک حاصل شود، حکم به حلال بودن (اصل اباحه) آن می کنیم زیرا الزام شرعی نیازمند نص شارع است و فرض اینست که در مورد مشکوک، نصی از شارع وارد نشده است. این نظریه جمعی از اصولیین است. برخی قائل به اجرای اصل منع (حظر) شده و برخی توقف کرده اند.

تایید تاثیر تعمیم حکم مسئله کتب ضاله بر حقوق رسانه و نشر و باز نشر مطالب گمراه کننده در رسانه ها و مطبوعات و فضای مجازی در صدور و اجرای احکام لازم امری است صحیح و قابل استناد.

با توجه به وجوب حکم انهدام و انهدام کتب ضلال، از دسترس خارج کردن و نابود کردن سایتهای ملحد و کفر آمیز و شیطان پرستی ظاهراً می تواند واجب باشد، وضعاً.

قوانین در جمهوری اسلامی برای ناشر اصلی مطبوعات مشخص شده است و حد و مرز آن نیز ترسیم گردیده است ولی بازارسال که یک پدیده نوینی است نیاز به بازنگری دارد. به نظر نگارنده قصد مادی و معنوی در بازنشر بسیار معیار مناسبی برای تشخیص جرم محسوب می گردد و در صورت تایید سوء نیت برای بازارسال کننده نیز کلیه مسئولیت های ناشر بوجود می آید و قوانین به پخش کننده (باز ارسال کننده یا بازنشر دهنده) نیز سرایت می کند.

در هر فرضی اگر نشر اصلی مطالب گمراه کننده مسئولیت آور باشد، بازارسال مطالب ضاله نیز دارای مسئولیت می باشد البته بستگی به تعداد گروه های ارسالی نیز دارد که ضرر زننده موظف به تدارک و جبران خسارت معنوی و مادی وارده بر افراد حقیقی و حقوقی است، لذا اگر محتوای گمراه کننده به ده نفر ارسال شده باشد بدون در نظر گرفتن گمراه شدن فرد یا غالب افراد برای این شخص (حقیقی یا حقوقی) بدلیل گمراهی یا شبهه افکنی غالب آنها یا یک نفر از آنها در قبال اسباب اعانه بر اثم یا ... مسئولیت بوجود می آید و چون مبداء ترویج فساد یا هر گونه انحرافی می تواند باشد به اندازه همان ده نفر ضمان دارد. ولی حق الله و تشویش اذهان عمومی از طرف مدعی العموم قابل تفسیر می باشد.

یافته ها :

- از دسترس خارج نمودن و حذف سایتهای ملحد و کفر آمیز که با ترویج کفر موجب سستی حق می شود، با توجه به حکم اتلاف و اعدام کتب ضاله واجب است وضعاً.
- بازارسال مطالب گمراه کننده جرم محسوب می شود و از دو رویکرد مجازات پلکانی و همگانی هیچ یک مورد تأیید اسلام نمی باشد و تأکید می شود فرد مجرم در هر حلقه زنجیره تولید متخلف است و اثبات جرم تابع قصد و سوء نیت ارسال کننده است البته قانونگذار می توان در مجازات تخفیفاتی و تعلیقاتی را درحالت سهوی یا حالت خاص در نظر بگیرد.
- در صورت یکی بودن زنجیره تولید (نویسنده و تولید کننده و ناشر و...) معاونت و مشارکت در جرم قابل بررسی می باشد ولی برای بازارسال کننده مشارکت در جرم معنا ندارد.

پیشنهادات :

- پیشنهاد می گردد برای کتب متن باز دینی سریعاً اقداماتی صورت گیرد و گرنه کشورهای موحد با بحران ترویج کتب مذهبی نوظهور برخورد خواهند نمود.
- پیشنهاد می شود بازارسال محتوا در رسانه ها به سرعت جرم انگاری شود.
- تدوین و تدریس یک یا دو واحد درسی در دانشگاهها تحت عنوان کتب ضاله و رسانه های گمراهی در دستور کار قرار گیرد.
- از دسترس خارج کردن و حذف صحنه های مستهجن و نماد گرای کفر و شیطان پرستی و غالی ها در رسانه هادر شرح وظایف وزارت ارشاد اسلامی و سازمانهای فرهنگی قرار گیرد.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- اصطهباناتی، مهرانگیز. (۱۳۸۷) فرهنگ فارسی، تهران، نشر دانشگاهی.
- امام خمینی (ره). (۱۳۸۰)، تحریر الوسیله، ج ۲، تهران، نشر حفظ آثار امام خمینی (ره).
- انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۶ق)، المکاسب، ج ۱، قم، المواهب.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم. (۱۳۸۹) کفایه الاصول، ج ۲، تحقیق عباسعلی زارعی سبزواری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ ق) غرر الحکم ۲۸۶۰، قم، دارالکتاب اسلامی.
- بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی. (۱۴۰۱ ه.ق.) قواعد فقهیه، ۲ جلد، تهران، مؤسسه عروج.
- پایانی، احمد، محمودی، رضا، محمدی محمد مهدی. (۱۳۸۵) در کلاس درس مکاسب، قم، نشر رضا محمودی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۴۱۰ ه.ق) غرر الحکم و درر الکلم، محقق / مصحح: رجائی، قم سید مهدی، دارالکتاب الإسلامی، قم.
- جعفری لنگرودی محمد جعفر. (۱۳۹۰) و سبط در ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش .
- جعفریان، (1428 ه.ق) رسائل حجابیه، ج 1، تهران نشر دلیل ما.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۹) تفسیر تسنیم، ج ۱، قم، نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۷) هدایت در قرآن، قم، نشر اسراء.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق) وسایل الشیعه، ج ۲۷، قم، مؤسسه آلالبیت علیهم السلام لإحياء التراث .
- حسینی عاملی، محمد جواد. (۱۴۱۹ق) مفتاح الکرامه، ج ۴، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- خوبی، ابوالقاسم. (۱۴۱۷ق) مصباح الفقاهه، ج ۱، قم، موسسه انصاریان.
- خیری، حسن. (۱۳۸۹) دین و رسانه؛ قم، ارتباط اجتماعی- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- دانش پژوه، وهاب. (۱۳۹۵) « جرم انگاری قرآن و عقلانیت»، قم، دو فصل نامه تخصصی مبانی فقهی و حقوق اسلامی.
- دستغیب، عبدالحسین. (۱۳۹۱) گناهان کبیره، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- رازی، فخر. (۱۳۷۹)، التفسیر الکبیر، ج ۱۲، تهران، اساطیر.
- راغب اصفهانی، محمد حسین. (۱۴۰۴ه.ق). المفردات فی غریب القرآن، تهران دفتر نشر کتاب.
- سلطانی، محمد علی. (۱۴۰۶ق) « مقاله پژوهشی، حکم فقهی کتب ضاله در گذر زمان»، قم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شاهرودی، سید محمود هاشمی. (۱۳۸۸) ، جمعی از مؤلفان ،مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)؛ ج ۳۴، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۵۹) تفسیر مجمع البیان، ج ۲، تهران، فراهانی.
- عابدی، محمد. (۱۳۸۸) « رسالت رسانه ها از نگاه دین»، سال دوازدهم، قم، فرهنگ کوثر.
- عباسی، محمود. (۱۳۸۲) ، جرائم پزشکی و صلاحیت محاکم، تهران، انتشارات حقوقی.
- عمید، حسن. (۱۳۸۹) فرهنگ فارسی عمید، تهران، نشر.
- غرویان و معتمدی. (۱۳۹۹) ، ترجمه و شرح مکاسب، ج ۲، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- فرج نژاد، محمد حسن. (۱۳۹۸) جنگ نرم و نفوذ رسانه ای ، تهران، مرکز پژوهشهای اسلامی صداوسیما.
- معین، محمد. (۱۳۶۸) فرهنگ فارسی ، تهران ، انتشارات امیر کبیر.
- اصطهبانی، مهر انگیز. (۱۳۸۷) فرهنگ فارسی دانشیار، تهران ، نشر دانشیار.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳) تفسیر نور، ج ۱، تهران مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- لغت نامه ، علی اکبر دهخدا ، ج ۴۱. (۱۳۳۴)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی، حمید. (۱۳۸۷) مفردات قرآن، قم، مرکز نشرهاجر.
- مطهری خواه ،ذبیح . (1390)، شرح نوبت اصول استنباط ،همدان، انتشارات عرفان مولا.
- معتمد نژاد، کاظم . (۱۳۸۸) حقوق مطبوعات، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- ملکی اصفهانی، مجتبی. (۱۳۹۰) ، تهران، فرهنگ اصطلاحات اصول، ناشر مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.

- منتظری، حسینعلی. (۱۴۱۵ق.). دراسات فی مکاسب المحرمه، ج ۳، قم، انتشارات تفکر.
- الموسوی الخمينی، روح الله. (۱۳۹۵) صحیفه امام، ج ۷، تهران، نشر حفظ آثار امام خمینی (ره).
- الموسوی امام خمینی (ره)، روح الله. (۱۳۸۷) التعليقه على تحرير الوسيله، جلد اول، سيد محمد علی علوی گرگانی، قم، موسسه نشر عروج.
- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ه) جواهر الکلام، ج ۲۲، قم، موسسه نشر اسلامی.
- نراقی، احمد. (۱۴۰۲) مستند الشيعه، ج ۱۴، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.

نرم افزار و سامانه ها :

- لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها کد: ۱۰۰۱۱۴۱۵۵/۳
- موسوی اردبیلی، شورای عالی قضایی، سایت دادگستری، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی <https://rc.majlis.ir>
- www. magiran.com، قانع، احمد علی. (۱۳۸۶). «موضوع و حکم مساله کتب ضاله».
- www. magiran.com، جهان، فاطمه. (1378)، «بررسی کتب ضاله»
- [https://press.farhang.gov.ir/fa/rules/laws-](https://press.farhang.gov.ir/fa/rules/laws-۲)

قوانین :

- قانون اساسی، قانون مطبوعات، قانون تعزیرات، قوانین جرائم رایانه ای، قوانین بین المللی و جهان اسلام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی